

ضرورت تصحیح دیوان فلکی شروانی

مجتبی عبدلهی * محمد پارسانسب ** محمود عابدی ***
دانشگاه خوارزمی تهران

چکیده

یکی از فعالیت‌های ارزشمند ادبی در دوران معاصر، تصحیح متون به‌جامانده از پیشینیان است. دیوان فلکی شروانی، شاعر قرن ششم (م ۵۵۱) از جمله متونی است که به دلیل در دسترس نبودن نسخه‌های خطی قابل‌اعتماد و نزدیک به عصر شاعر و نیز بی‌توجهی مصححان به روش‌های انتقادی تصحیح، تاکنون نسخه‌ی منقح و پیراسته‌ای از آن در دست نبوده است و تصحیح موجود که طاهری‌شهاب در سال ۱۳۴۵ ه.ش انجام داده، کاستی‌هایی از نظر روش و نواقص چاپی فراوانی دارد. در این پژوهش، ضمن نشان‌دادن عمده‌ترین نقص‌های تصحیح موجود، از جمله: «ضبط‌های ناروا»، «جابه‌جایی ابیات»، «به‌هم‌ریختگی مصراع‌ها و اجزای ابیات» و «غلط‌های چاپی متن»، به معرفی نسخه‌های نویافته و تبیین نقش آن‌ها در اصلاح متن اشعار این شاعر پرداخته می‌شود تا از رهگذر این امر، ضرورت تصحیح مجدد دیوان فلکی شروانی (علاوه‌بر عرضه‌ی متنی منقح از اشعار او که بدون شک تأثیر بسزایی در شناخت خصایص سبکی شعر آذربایجان و حل برخی از مشکل‌ها اشعار شاعران این سبک دارد) بیش‌ازپیش آشکار گردد.

واژه‌های کلیدی: تصحیح، دیوان، فلکی شروانی، نسخه‌های نویافته.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی dr.m.abdollahi414@gmail.com (نویسنده مسئول)

** استاد زبان و ادبیات فارسی parsanasab63@yahoo.com

*** استاد زبان و ادبیات فارسی m.abedi@yahoo.com

۱. مقدمه

بررسی و تصحیح آثار مکتوب پیشینیان، به‌ویژه دیوان اشعار شاعران، برای شناخت و احیای میراث‌های فرهنگی و ادبی هر سرزمینی، همواره یکی از اولویت‌های تحقیق است. در میان تعداد زیاد متون کهن فارسی، برخی یا اصلاً تصحیح نشده‌اند یا به دلیل در دسترس نبودن نسخه‌های معتبر و مطمئن، تصحیح انجام‌شده اشکالات و کاستی‌هایی دارد که ضرورت تصحیح مجدد را مسلم می‌کند. از آثاری که تصحیح مجدد آن ضرورت دارد، دیوان فلکی شروانی است که تنها اثر برجای‌مانده از اوست. این دیوان بیش از هزار و دویست بیت دارد و مشتمل بر بیست و پنج قصیده، سه ترکیب‌بند، ده غزل، هشت قطعه و ده رباعی است.

فلکی شروانی از شاعران توانای قرن ششم هجری و دربار خاقان اکبر فخرالدین منوچهر بن فریدون شروانشاه و پسر او اخستان بود و بیشتر اشعار او به مدح ایشان اختصاص دارد. «برخی منتقدان، وی را در طراز شاعران بزرگی چون خاقانی شروانی و نظامی قرار داده و او را در پدیدآوردن مکتب تازه و شیوه‌ی نوین آذربایجانی ذی‌سهم می‌دانند» (محبوب، ۱۳۴۵: ۵۵۷) و «حتی او را در سرودن قصاید ملمع و تجدید مطلع، پیرو خاقانی شروانی به‌شمار می‌آورند» (ظفری، ۱۳۷۵: ۲۱). شعر فلکی ساده و روان است و پیچیدگی و دشواری شعر معاصرانش را ندارد. درباره‌ی کیفیت سخن او گفته‌اند: «وی از سخن معقد مغلق که شیوه‌ی معاصران او در شروان و آذربایجان بود، دوری می‌گزید و به‌سهولت کلام و روانی سخن متمایل بود» (صفا، ۱۳۷۲: ۷۷۴). علاوه‌بر این، وی شاعری توانا و مضمون‌پرداز است و «در اشعار او مضامین و معانی تازه بسیار است و نیز کنایات و تعبیرات بدیع و نیک دارد» (فروزان‌فر، ۱۳۵۰: ۶۰۲). فلکی در شعر خود از صنایع بدیعی به‌خوبی بهره برده و در بسیاری از اشعار با استفاده از اصطلاحات نجومی، معلومات تاریخی و دینی خود، ترکیبات وصفی و صنایع بدیعی زیبایی همچون انواع تشبیه، استعاره، جناس و... را خلق کرده که بر زیبایی شعر او افزوده است. با این همه، استفاده از برخی اصطلاحات و واژگان علوم دیگر همچون نجوم، طب، جغرافیا و نیز کاربرد کلمات دشوار عربی، به‌ویژه در قافیه‌ی اشعار، شعر فلکی را نیازمند توضیح و تفسیر کرده است.

فلکی نیز همچون خاقانی به شعر شاعران خراسان نظر داشته و «اشعار او به رویه‌ی مسعود سعد نزدیک است و گویا به مسعود سعد معتقد بوده و می‌خواسته روش او را از دست ندهد، ولی نتوانسته سبک مسعود را به تمام و کمال تقلید کند» (همان: ۶۰۳). به‌علاوه، اشعار فلکی همچون اشعار دیگر شاعران سبک آذربایجانی، آمیخته به تلمیحات تاریخی، دینی، اصطلاحات علوم طب و نجوم و مانند آن است. «در شعر سبک آذربایجان از نظر فکری فاضل‌نمایی و اشاره به علوم مختلف و تلمیحات گوناگون، از جمله به آداب و رسوم مسیحیت، اشاره به فولکلور و عقاید عامیانه، از جمله طب و نجوم و جانورشناسی عامیانه مطرح است، به‌نحوی که شعر این مکتب، غالباً محتاج به شرح و تفسیر است» (شمیسا، ۱۳۹۱: ۱۴۳).

چنان‌که گفته شد از دیوان اشعار فلکی شروانی تصحیح منقحی در دست نداریم و این را به‌خوبی می‌دانیم که با دردست‌داشتن تصحیح دقیق و کاملی از این دیوان، می‌توان به آگاهی بهتری درباره‌ی شعر او دست یافت و در نتیجه، گامی در راه شناخت شعر مکتب آذربایجان و در سطحی گسترده‌تر، شناخت شعر و ادب فارسی برداشت. بنابر این مقدمات، تصحیح دقیق و کامل این دیوان، با تکیه بر نسخه‌های نویافته و مطابقه‌ی آن‌ها با تصحیح‌های موجود و به دلایلی که در پی می‌آید، ضرورت دارد.

۲. پیشینه‌ی پژوهش

در سال ۱۹۲۹م. محمد هادی حسن دیوان فلکی شروانی را در لندن به چاپ سنگی رسانده است؛ تصحیحی که هادی حسن انجام داده، کاستی‌ها و اشکال‌های چاپی دارد؛ علاوه‌بر این، منابع و نسخه‌های استفاده‌شده‌ی او نیز بر ما پوشیده است. در سال ۱۳۴۵ش. محمد طاهری شهاب تصحیح دیگری در تهران عرضه کرده است؛ از آنجاکه همه‌ی نسخه‌های دیوان فلکی در اختیار مصحح نبوده و همچنین به سبب بی‌توجهی وی به روش انتقادی تصحیح، بدخوانی‌ها و اغلاط و لغزش‌هایی در تصحیح او راه یافته است؛ زیرا نسخه‌های اساس طاهری شهاب، یکی همان تصحیح هادی حسن است و دیگری که در پانویس برخی صفحات از آن با عنوان «نسخه‌ی این‌جانب» یاد

کرده، مشخصات آن همچون تعداد ابیات و تاریخ آن بر ما پوشیده است و مصحح در این باره مطلبی ننوشته و نسخه‌های استفاده‌شده‌ی خود را معرفی نکرده است. قطعاً ابیاتی که در دو نسخه‌ی مبنای کار طاهری شهاب وجود داشته، بیشتر از آنچه او در تصحیح خود آورده، نبوده است؛ زیرا نسخه‌ی هادی حسن که یکی از این دو نسخه بوده، در دسترس است و تقریباً تمام ابیات تصحیح طاهری شهاب را دارد و اگر ابیات دیگری در نسخه‌ی دوم که از آن به نام «نسخه‌ی این جانب» یاد کرده، وجود می‌داشت، بی‌شک در تصحیح نهایی آورده می‌شد.

از دیگر کاستی‌های کار طاهری شهاب این است که از پنج نسخه‌ی موجود دیوان فلکی شروانی، او تنها به نسخه‌ی هادی حسن دسترسی داشته که شرح آن گذشت و از نسخه‌های نویافته‌ی دیگر، مانند نسخه‌ی کتابخانه‌ی کاخ گلستان، پاریس و به‌ویژه نسخه‌ی کتابخانه‌ی مرعشی (۱۰۳۰) که احتمالاً از نظر قدمت و وضوح خط، اهمیت و ارجحیت دارد، محروم مانده است.

پژوهش دیگر در این باره، مقاله‌ای از احمدرضا یلمه‌ها (۱۳۸۹) با عنوان «نقد و تحلیل تحریفات دیوان فلکی شروانی براساس نسخه‌های تازه‌یافته» است. در این مقاله، منتقد به بررسی برخی از اختلاف نسخه‌ها در سطح واژه‌ها پرداخته و گاه برخی از ابیات را نیز بررسی و تحلیل کرده و گاهی ابیات مبهم و نامفهوم دیوان را تصحیح کرده است.

گذشته از ارزندگی پژوهش‌های یادشده، بنا به دلایلی که در پی می‌آید، عرضه‌ی تصحیحی پیراسته و کامل از این دیوان، به پشتوانه‌ی نسخه‌های نویافته و برخی ابیات پراکنده‌ی یافت‌شده در تذکره‌ها و جنگ‌ها، الزامی است. در ادامه، ابتدا ضمن معرفی اجمالی نسخه‌های نویافته و مقابله‌ی موردی آن‌ها با تصحیح طاهری شهاب، نمونه‌وار به مواردی از ضبط‌های ناروا، جابه‌جایی ابیات، به‌هم‌ریختگی مصراع‌ها و اجزای ابیات و غلط‌های چاپی متن می‌پردازیم:

۳. معرفی نسخه‌ها

۳.۱. نسخه‌ی کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی

این نسخه، در سال ۱۰۳۰.ه.ق و به خط محمد مؤمن‌عرب شیرازی کتابت شده است، در مجموع هزار بیت دارد و به شماره‌ی ۱۴۳۵۵ در کتابخانه‌ی یادشده نگهداری می‌شود. این نسخه بدون مقدمه و شامل نود صفحه از اشعار فلکی شروانی است که با خطی خوانا نوشته شده است. بنابر یادداشتی که در صفحه‌ی نخست این نسخه آمده، این نسخه را سید محمود مرعشی در سال ۱۳۸۱ ش. در سفری که به هندوستان داشته، از شهر حیدرآباد هند خریداری کرده است. همچنین دو مهر در صفحه‌ی نخست آن زده شده و در کنار آن‌ها به خط و امضای سید محمود مرعشی نوشته شده که: «این دو مهر بزرگ مشکی از سلطان محمد قطبشاه از سلسله‌ی سلاطین قطبشاهی که در سده‌های ۱۰ و ۹ و ۸ در ناحیه حیدرآباد هند حکومت کرده و قبور آن‌ها هم‌اکنون در باغ بزرگی معروف به هفت‌گنبد قرار دارد» (رک). نسخه شماره ۱۴۳۵۵ کتابخانه مرعشی: (۱). نسخه‌ی کتابخانه‌ی مرعشی، گذشته از لغزش‌ها و کاستی‌ها، در مجموع، تعداد سی و شش بیت افزون بر تصحیح طاهری شهاب دارد.

۳.۲. نسخه‌ی کتابخانه‌ی سلطنتی کاخ گلستان

این نسخه به شماره‌ی ۲۸۱ در کتابخانه‌ی سلطنتی کاخ گلستان تهران نگهداری می‌شود و دارای هزار و سی و چهار بیت است؛ اما تاریخ کتابت آن معلوم نیست. چند مهر به نام‌های ناصرالدین شاه قاجار، مشیرالسلطنه (با تاریخ ۱۳۲۲)، حسین‌بن هدایت‌الله و محمدرضا الحسینی (با تاریخ ۱۲۸۲) بر صفحه‌ی نخست آن زده شده است. این نسخه نیز سی و هشت بیت افزون بر تصحیح طاهری شهاب دارد و شامل ۸۶ صفحه است و تاریخ وفات و محل دفن شاعر در صفحه‌ی نخست آن بیان شده است.

۳.۳. نسخه‌ی کتابخانه‌ی دانشگاه تهران (نسخه‌ی پاریس)

این نسخه به شماره‌ی ۶۵۶/۴- ف، در کتابخانه‌ی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود و دارای هزار و پنجاه و هفت بیت است، ولی تاریخ کتابت آن معلوم نیست. از وجوه

اهمیت این نسخه آن است که در ابتدای آن، در نه صفحه به شرح زندگی و معرفی شعر فلکی شروانی پرداخته است. در مجموع دارای ۷۴ صفحه است که در مقدمه‌ی آن به زادگاه و تاریخ وفات شاعر، معلومات و کیفیت اشعار او، سبب تخلص و همچنین ممدوحان وی به طور مفصل پرداخته و در پایان نیز آورده است که: «اشعار فلکی نزدیک به هفت هزار بیت بوده، ولی نایاب است و نویسنده‌ی این اوراق به زحمت توانسته به این مقدار از اشعار وی دست یابد» (رک. نسخه‌ی شماره ۴-۶۵۶/۴).

۳.۴. نسخه‌ی کتابخانه‌ی مجلس

این نسخه به شماره‌ی ۱۰۶۳/۱ در کتابخانه‌ی مجلس نگهداری می‌شود و در مقایسه با نسخه‌های دیگر ناقص است و فقط ۵۳۶ بیت از اشعار فلکی را دارد. تاریخ کتابت آن را در فهرست نسخه‌های خطی ایران، قرن چهارده نوشته‌اند. نسخه‌ی کتابخانه‌ی مجلس به رغم ناقص بودن، متأخر بودن و معدود بودن شمار ابیات، از نظر وضوح خط و اشمال بر برخی از ابیات که در نسخه‌های دیگر دیده نمی‌شود و نیز دو صفحه شرح مختصری که درباره‌ی شعر و زندگی فلکی آورده، دارای اهمیت است. کاتب در این دو صفحه در باب جایگاه شاعر، کیفیت شعر او، سبب تخلص وی و همچنین ممدوحان و تاریخ وفات او سخن رانده است. این نسخه در مجموع دارای چهل صفحه است و برخی از قصاید و ترکیب‌بندهای دیوان شاعر را دارد و بخش غزلیات، رباعیات و قطعات شاعر را که در نسخه‌های دیگر موجود است، ندارد.

۴. بحث و بررسی ابیات

۴.۱. ضبط‌های ناروا

علاوه بر کاستی‌ها و افزونی‌های تصحیح طاهری شهاب در مقایسه با نسخه‌های نویافته، اختلاف و اشتباه در ضبط واژه‌های ابیات در این تصحیح بسیار است که نمونه‌وار به تعدادی از آن‌ها پرداخته می‌شود:

- «خَد» به جای «خَه» در بیت زیر:

خد بنامیزد چه روی است آنچنان آراسته وز خیال طلعتش میدان جان آراسته

(فلکی، ۱۳۴۵: ۷۰)

با توجه به اینکه واژه‌ی «روی» به دنبال واژه‌ی «خد» به معنای «روی و چهره» و در همان مصراع به کاررفته و نیز با عنایت به مفهوم بیت، این واژه درست نیست و واژه‌ی «خه» برابر نسبی «به»، «آفرین» و «ماشاءالله» و از ادات تحسین و تعجب در زبان امروز درست به نظر می‌رسد. از این رو، کاربرد واژه‌ی «خد» به معنی چهره، در این بافت، ناسازگاری معنایی داشته و نادرست است. گفتنی است که نسخه‌ی مجلس فاقد این بیت بوده و در نسخه‌ی کاخ گلستان «چه» و در نسخه‌ی پاریس، مرعشی و هادی‌حسن «خه» ضبط شده است. به علاوه واژه‌ی «خه» در شعر معاصران فلکی نیز، از جمله در بیت زیر از سوزنی سمرقندی (فوت. ۵۶۲) نیز به درستی به کاررفته است:

به نام ایزد و احسنت و خه نکو خلقی ز چشم بد مرسادا به دولت تو گزند

(سوزنی، ۱۳۳۸: ۹۶)

سنایی غزنوی نیز کلمه‌ی «خه» را به همراه «بنامیزد» در بیتی از قصیده‌ی خود به کار برده است:

خه بنامیزد مهی، هم صدر و بدر درگهی از درد دل‌ها آگهی ای عنصر جود و ادب

(سنایی، ۱۳۶۲: ۶۷)

- «شمل» به جای «شکل» در بیت زیر:

بر سر بام هصن تو شمل هلال هر شبی چوبکِ پاسبان شود هندوی گوتوال را

(فلکی، ۱۳۴۵: ۱۸)

«شمل» در لغت به معانی فراگرفتن، به‌چپ‌رفتن، تغییرکردن مسیر باد و نظایر این‌ها است و هیچ‌یک متناسب مفهوم بیت نیست. گذشته از اینکه «هصن» به جای «حصن» (دژ و قلعه) و «گوتوال» به جای «کوتوال» (نگهبان قلعه) به احتمال زیاد خطای چاپی هستند، «شمل» در همه‌ی نسخه‌ها به صورت «شکل» آمده و صحیح است. ضمن اینکه تناسب چوبکِ پاسبان با کلمه‌ی شکل بر ما پوشیده نیست. این بدخوانی در بیت بعد در دیوان چاپی نیز راه یافته است (رک. یلمه‌ها، ۱۳۸۹: ۱۰۵).

- «کیهان» به جای «کیوان» در بیت زیر:

رفعت ایوان تو هست به جایی کزو هندوی پاس تو را دست به کیهان رسید
(فلکی، ۱۳۴۵: ۳۱)

نسخه‌ی مجلس این قصیده را ندارد؛ اما در نسخه‌ی مرعشی، پاریس و کاخ گلستان به صورت «کیوان» آمده و در چاپ هادی‌حسن نیز به همین صورت ضبط شده است. کلمه‌ی «کیهان» در این بیت، صحیح به نظر نمی‌رسد و شکل درست آن باید «کیوان» باشد که در ادب فارسی بیشتر مصداق بلندمرتبه‌گی و برکشیدگی است و با مفهوم بیت سازگاری دارد؛ زیرا «کیهان» مفهوم است و «کیوان» مصداق است. دهخدا در توضیح کیوان آورده است: «نام کوکب زحل است که در فلک هفتم می‌باشد و از همه‌ی کواکب اعلی و اعظم است» (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل کیوان). از این رو، شاعر در این بیت برای نشان دادن عظمت مقام ممدوح و رفعت ایوان او می‌گوید: دست هندوی پاسبان تو به کیوان رسیده است؛ یعنی ایوان تو به ارتفاع کیوان، رفیع و بلندمرتبه است. در اشعار بسیاری از شاعران نیز به بلندی جایگاه کیوان اشاره شده است: «خروش سواران و اسبان به دشت / ز بهرام و کیوان همی برگذشت» (فردوسی، ۱۳۸۹: ۳۸۴) و «به ایوان در بسازم بارگاہت / به کیوان سر فرازم پایگاہت» و همچنین «ریاحین بر زمینش گستریده / درختانش به کیوان سر کشیده» (نظامی، ۱۳۸۷: ۲۰۷).

- «زادی» به جای «داری» در بیت زیر:

چه زادی ای فلکی زین نوایب ایام که در سخن سیم بوتمام و نواسی؟
(فلکی، ۱۳۴۵: ۷۶)

این واژه در نسخه‌های مرعشی، پاریس، مجلس و کاخ گلستان به صورت «داری» آمده است و در نسخه‌ی هادی‌حسن «زاری» آمده که در نگاه اول، درست به نظر می‌رسد، اما بیت بعد، درستی آن را رد می‌کند:

مگر که مایه‌ی راحند شعر و خط تو زانک به هر دو محی کلک و دوات و قرطاسی
(همان: ۷۶)

بیت اخیر در تکمیل پرسش انکاری بیت پیشین که پرسیده بود: با آنکه در سخن (شعر) پس از ابوتمام و ابونواس هستی، «چه داری؟»؛ زیرا بر اثر مصیبت‌های روزگار هیچ چیز برای تو باقی نمانده است. پس می‌گوید: به جز شعر و خط خوب که تو با این دو هنر، زنده‌کننده‌ی قلم و دوات و کاغذ هستی، چیز دیگری از روزگار نصیب تو نشده است. بنابراین، با این مقدمات و با توجه به مفهوم ابیات و ضبط نسخه‌ها، واژه‌ی «داری» درست است.

- «رای» به جای «روی» در بیت زیر:

مشتريِ رایِ چو ماه توآند روز و شب از چرخ، مه و مشتري
(همان: ۷۷)

به جای «رای» در نسخه‌ی چاپی، در نسخه‌های مرعشی، پاریس، مجلس، کاخ گلستان و هادی‌حسن، «روی» آمده‌است که درست است و مشهور است که «روی» را در زیبایی به ماه تشبیه می‌کنند، نه «رای» را. هرچند ممکن است میان «رای» و «مشتري» ایهام تناسبی برقرار باشد، اما درست آن است که بگوییم ماه زیبارو و مشتري سعد، با همه‌ی زیبایی و سعادت‌مندی، خواهان روی زیبای تو هستند.

افزون‌بر نمونه‌های یادشده، باید توجه داشت که شاعر در ابیات قبل و بعد به توصیف چهره‌ی ممدوح پرداخته و گونه‌ای تناسب میان اعضای چهره (جزع، لعل، لب، زلف، روی) آفریده است؛ چنان‌که در زیر می‌بینیم:

جزع تو را شعبده‌ی جادویی	لعل تو را معجز پیغمبری
زلف تو بر مشتري از مشک ناب	ساخته صد حلقه‌ی انگشتری
مشتريِ «روی» چو ماه توآند	روز و شب از چرخ، مه و مشتري
گر گل و شکر ببرد دردِ دل	پس تو به لبِ اصلِ گل و شکری

(همان: ۷۷)

- «برنامه‌ی» به جای «برنامه» در بیت زیر:

برنامه‌ی مراد من از تو ولی ز من مقصود خصم و کامه‌ی هجران برآمده
(همان: ۷۳)

مصراع اول در نسخه‌های مرعشی، پاریس، کاخ گلستان و هادی‌حسن به صورت «برنامه‌ی مراد من از تو ولی ز من» ضبط شده است. نسخه‌ی مجلس این قصیده را ندارد. با توجه به ضبط نسخه‌ها و مفهوم بیت، واژه‌ی «برنامه‌ی» به معنی «برنیامده و برآورده‌نشده» درست است.

- «دوده» به جای «روزه» در بیت زیر:

علت دوده رفع شد شاید اگر به جام می دفع کنند عاقلان علت قیل و قال را
(همان: ۱۹)

کلمه‌ی «دوده» با مفهوم بیت سازگاری ندارد و در همه‌ی نسخه‌ها به جای آن «روزه» ضبط شده که صحیح است. با توجه به ابیات پیش از آن، شاعر به سپری شدن ماه رمضان (ماه روزه) و رسیدن عید اشاره دارد و ممدوح خود را به عیش و شادی دعوت می‌کند. چنان‌که در بیت پیش از آن گفته است:

عید رسید عیش کن کز پی موسم خزان فر تو فرخی دهد عید خجسته‌فال را
علت روزه رفع شد، شاید اگر به جام می دفع کنند عاقلان علت قیل و قال را
(همان: ۱۹)

- «گرفت» به جای «گریخت» در بیت زیر:

از حشم حشمتش خصم به حیرت گرفت وز حرم حرمتش ظلم به پایان رسید
(همان: ۳۰)

در بیت بالا، واژه‌ی «گرفت» صحیح نیست و به جای آن در همه‌ی نسخه‌ها «گریخت» ضبط شده و درست است و تعبیر «به‌حیرت گریختن» به معنی «از سر حیرت و سرگشتگی فرارکردن» به‌کاررفته است.

- «هست» به جای «دست» در بیت زیر:

ای شده از هست من در طلب تو مرا بس که ببايد دوید تا به تو بتوان رسید
(همان: ۳۲)

واژه‌ی «هست» در بیت بالا مبهم است و صورت درست آن «دست» است. چنان‌که در همه‌ی نسخه‌ها نیز به صورت «دست» آمده و صحیح است. نسخه‌ی مجلس کلاً این قصیده را ندارد. در ابیات دیگر نیز شاعر از هجران و دوری از ممدوح خود گله دارد:

خاک‌ره از چشم من چشمه‌ی خوناب گشت تا به من از باد غم آتش هجران رسید
تا لب من دور ماند از لب و دندان او دل شد و جانم به لب از بن دندان رسید...
گفتمش ای از لب لعل بدخشان خجل بی‌لبت از چشم من خون به بدخشان رسید
شد بر دندان تو لولو عمان ز آب وز غم تو اشک من ز آنسوی عمان رسید
ای شده از دست من در طلب تو مرا بس که بیاید دوید تا به تو بتوان رسید

(همان: ۳۱-۳۲)

-«دور» به جای «دارد» در بیت زیر:

شاهی که بر درگاه او از قدر و صدر گاه او دور فلک با جاه او از بندگان کمتر محل
(همان: ۴۱)

در بیت بالا واژه‌ی «دور» صحیح نیست و به جای آن «دارد» صحیح است. شاعر در بیان عظمت ممدوح خود می‌گوید که فلک با همه‌ی بلندی و رفعت، در برابر جاه او و بر درگاه او کمترین درجه را دارد. در همه‌ی نسخه‌ها به جز نسخه‌ی مجلس که این قصیده را ندارد، نیز به صورت «دارد» آمده و صحیح است.

-«سعی» به جای «سوی» در بیت زیر:

تا مه و سال نو شود از حرکات مهر و مه راه مباد سعی تو آفت ماه و سال را
(همان: ۲۰)

شاعر در این بیت، در بخش شریطه و دعای قصیده، برای ممدوح خود دعا می‌کند و می‌گوید: تا زمانی که با حرکت قمر و خورشید، ماه و سال نو می‌گردد، [امیدوارم] آفت ماه و سال به سوی تو راه نیابد. بنابراین «سعی» در مصراع دوم درست نیست و به جای آن «سوی» صحیح است و در همه‌ی نسخه‌ها نیز به صورت «سوی» آمده است.

-«کوه و صحرا» به جای «کرده صحرا» در بیت زیر:

پرز الواح زبرجد کوه و صحرا را صبا و آن زبرجد را به دُر و بهرمان آراسته
(همان: ۶۸)

ضبط مصراع اول به این صورت، مبهم و نامفهوم است و از نظر نحوی، جمله فاقد فعل خواهد بود. در سه نسخه‌ی هادی‌حسن، پاریس و کتابخانه‌ی مرعشی، به جای «کوه و صحرا»، «کرده صحرا» آمده که هم از حیث معنایی و هم از نظر نحوی صحیح است. - «پی» به جای «وی» در بیت زیر:

دردم چو بود از پی، از پی چو بود دردم درمان هم از او خواهم، خواهم هم از او درمان
(همان: ۱۰۳)

هر دو ضبط «پی» در مصراع اول، مبهم و نادرست است و صورت صحیح آن «وی» است که در همه‌ی نسخه‌ها نیز به همین صورت ضبط شده است. نسخه‌ی مجلس این غزل را ندارد.

۲.۴. به هم ریختگی اجزای ابیات

به غیر از اشتباهات بسیاری که در ضبط کلمات در تصحیح طاهری شهاب دیده می‌شود و نمونه‌هایی از آن بررسی شد، در برخی از نمونه‌ها نیز، مصراع‌ها و ابیات به هم ریختگی دارند؛ به این صورت که گاه ابیاتی درهم آمیخته یا مصراع‌هایی جابه‌جا شده است که باعث اختلال در فهم محور عمودی شعر شده‌اند. در اینجا به بررسی چند نمونه اکتفا می‌شود:

- در قصیده‌ای با مطلع «دوش چو کرد آسمان افسر زر ز سر یله / ساخت ز ماه و اختران یاره و عقد و مرسله» (همان: ۵۹)، بیت زیر آمده است:

قدر ترا فراز خوان قرصه‌ی آفتاب نان زیر و زبر به زور تو بوم عدو به زلزله
(همان: ۶۱)

مصراع دوم این بیت، در واقع مصراع دوم بیت دیگری است که بر اثر سهل‌انگاری، با مصراع دیگری ترکیب شده و دو بیت در هم ادغام گردیده و بیت دیگری ساخته و

مصراع دیگر آن‌ها از قلم افتاده است. در نسخه‌ی مرعشی، پاریس و هادی‌حسن، این دو بیت به صورت زیر ضبط شده است:

قدر ترا فراز خوان قرصه‌ی آفتاب نان کرده ز خوان تو جهان کاسه‌ی آسمان زله
گشته بروز شور تو وز تک خنگ و بور تو زیر و زیر به زور تو — بوم عدو به زلزله
(نسخه‌ی شماره‌ی ۱۴۳۵۵ کتابخانه‌ی مرعشی: ۲۴ و ۲۳)

نسخه‌ی مجلس بیت اول را مانند دیگر نسخه‌ها ضبط کرده و بیت دوم با اندکی اختلاف آمده است:

گشته بروز شور تو در تک خنگ و بور تو زیر و زیر بزور تو بوم عدو به زلزله

(نسخه‌ی شماره‌ی ۱۰۶۳/۱ کتابخانه‌ی مجلس: ۳۷)

در نسخه‌ی کاخ گلستان با اختلاف در برخی از واژه‌ها چنین ضبط شده است و البته معنی و مفهوم آن چندان روشن نیست:

قدر ترا فراز خوان قرصه‌ی آفتاب نان کرده خوان تو جهان کاسه‌ی آسمان وله
گشته بروز شور تو رنگ خنگ و بور تو زیر و زیر بروز تو بوم عدو به زلزله
(نسخه‌ی شماره‌ی ۲۸۱ کاخ گلستان: ۲۸ و ۲۷)

در تصحیح طاهری شهاب، در قصیده‌ای با مطلع «سپهر مجد و معالی، محیط نقطه‌ی عالم / جهان جود و عوالی، چراغ دوده‌ی آدم» (فلکی، ۱۳۴۵: ۴۳)، بیتی به صورت زیر ضبط شده است:

بدان خدای که هست او به داد عالم و حاکم بدان رسول که هست او ز خلق اعدل و احکم
(همان: ۴۷)

این بیت در نسخه‌ی هادی‌حسن نیز به همین صورت است؛ حال آنکه در سایر نسخه‌ها به شکل زیر ضبط گردیده:

بدان رسول که بود او به داد حاکم و عادل بدان خدای که هست او ز خلق احکم و اعلم

هیچ کدام از این دو ضبط، خالی از اشکال نیست؛ زیرا اگر نوعی تناسب معنایی میان واژگان پایانی دو مصراع در نظر بگیریم، به نظر می‌رسد که پایان مصراع اول باید مطابق

ضبط نسخه‌ها (حاکم و عادل) باشد و با توجه به اینکه «احکم»، افعال تفضیل از حکم و حاکم است و با «اعدل» تناسب معنایی بیشتری دارد، پایان‌بندیِ مصراع دوم مطابق ضبط طاهری‌شهاب (اعدل و احکم) درست‌تر می‌نماید.

نکته‌ی دیگر اینکه مطلع قصیده مذکور، یعنی بیت «سپهر مجد و معالی، محیط نقطه‌ی عالم/ جهان جود و عوالی، چراغ دوده‌ی آدم» (همان: ۴۳)، نیز خالی از اشکال نیست و مصراع دوم در نسخه‌های هادی‌حسن و مجلس و در کتاب *مجمع‌الفصحا* به صورت «جهان جود و معانی، چراغ دوده‌ی آدم» (رک. هدایت، ۱۳۳۹: ۹۴۷)، ضبط شده و «معانی» به جای «عوالی» درست‌تر به نظر می‌رسد.

۳.۴. جابه‌جایی ابیات

از دیگر نمونه‌های نقص در تصحیح طاهری‌شهاب از دیوان فلکی، جابه‌جایی ابیات قصاید است که چند نمونه از آن در اینجا بررسی می‌شود:

- در قصیده‌ای با مطلع «دادگرا ملک را هم فلک و هم قوام/ تاجورا بخت را هم شرف و هم نظام» بیت زیر در مطلع دوم قصیده ضبط گردیده که با توجه به ابیات پس و پیش آن، در جای خود ذکر نشده است:

تا به سلامت بود طبع سلیم از جهان	باد مسلم تو را ملک جهان والسلام
«باد معمر به تو ملک عجم تا ابد	باد مشرف به تو دین عرب تا قیام»
بسته میان خسروان پیش تو چون لام الف	ساخته در خدمتت دل چو الف قدچو لام

(فلکی، ۱۳۴۵: ۵۲)

همه‌ی نسخه‌ها، بیت مذکور را پس از بیت زیر آورده‌اند که با توجه به مفهوم و موقوف‌المعانی بودن ابیات، جای آن مطابق ضبط نسخه‌ها درست است:

تا بود اندر عجم نوبت جشن ملوک	تا بود اندر عرب عادت عید صیام
«باد معمر به تو ملک عجم تا ابد	باد مشرف به تو دین عرب تا قیام»

(نسخه‌ی شماره‌ی ۶۵۶/۴- ف، دانشگاه تهران: ۲۲۲)

همچنین با توجه به وجود کلمه‌ی «والسلام» در پایان بیت «تا به سلامت بود طبع سلیم از جهان / باد مسلم تو را ملک جهان والسلام»، به نظر می‌رسد که این بیت، بیت پایانی قصیده باشد که ختم شریطه و دعای قصیده نیز هست. هرچند که در نسخه‌های دیوان، در پایان قصیده قرار نگرفته است.

در قصیده‌ای با مطلع «سپهر مجد و معالی محیط نقطه‌ی عالم / جهان جود و عوالی چراغ دوده‌ی آدم» (فلکی، ۱۳۴۵: ۴۳)، طاهری شهاب بیت زیر را در ابیات پایانی مطلع اول و پس از شریطه و دعا آورده که با توجه به ابیات پس و پیش آن، در جای خود ضبط نشده است:

کسی که سرکشد از تو کشیده باد همیشه	رقوم بر جگر او ز نیش افعی و ارقم
«چه سود بیهده بودن موافق غم عشقت	که طبع تو فلکی را مخالفست و فلک هم»
ز بهر ختم قصیده به خاطر م غزلی خوش	دراو فتاد، نگشته مدایح تو مُخَتَّم
	(همان: ۴۸)

این بیت در همه‌ی نسخه‌های خطی، در میانه‌ی مطلع دوم قصیده و به شکل زیر و در جای مناسب خود آمده است:

به درد اوست مرا جان و زو نیافته درمان	به زخم اوست مرا دل و زو نیافته مرهم
«چه سود بیهده بودن موافق غم عشقتش	که طبع او فلکی را مخالفست و فلک هم»

(نسخه‌ی شماره‌ی ۶۵۶/۴- ف، دانشگاه تهران: ۲۲۰)

۴.۴. ابیات نویافته

کاستی‌ها و افزونی‌های تصحیح طاهری شهاب از دیوان فلکی شروانی در مقایسه با نسخه‌های نویافته بسیار است؛ در اینجا به نمونه‌هایی که ضرورت تصحیح مجدد دیوان فلکی را بیشتر نشان می‌دهد، می‌پردازیم:

قصیده‌ای با مطلع «صورت گردون صفت جسم زمین را جان از او / ماده جان لطف او لیکن خرد حیران از او» (فلکی، ۱۳۴۵: ۵۷)، در تصحیح طاهری شهاب به صورت ناقص آمده و صرفاً مشتمل است بر هفت بیت از ابیات آغاز و انجام قصیده. این قصیده در

نسخه‌ی مرعشی و پاریس، بیست و شش بیت پشت سر هم و در نسخه‌ی کاخ گلستان، بیست و پنج بیت و در نسخه‌ی مجلس، بیست و هفت بیت افزون بر تصحیح طاهری‌شهاب دارد. در نسخه‌ی هادی‌حسن نیز همین قصیده، با چهار بیت افزون بر نسخه‌ی مجلس، یعنی در سی و هفت بیت آمده است؛ البته توالی ابیات آن با نسخه‌ی مجلس متفاوت است و نظم و ترتیب نسخه‌ی مجلس را ندارد. نکته‌ی درخور توجه این است که با وجود کامل بودن ابیات قصیده‌ی مذکور در نسخه‌ی هادی‌حسن، (یکی از دو منبع تصحیح طاهری‌شهاب)، این تصحیح، در مقایسه با منبع خود ناقص‌تر است و این نمونه‌ها می‌تواند دلیلی بر سهل‌انگاری مصحح و همچنین یکی از دلایل اهمیت نسخه‌های نویافته و ضرورت تصحیح مجدد دیوان فلکی شروانی باشد.

- در قصیده‌ای دیگر با مطلع «خیل و خان چرخ را شه خیل و خان آراسته/ تا به ماهی و بره کردست خوان آراسته» (همان: ۶۷)، سه نسخه‌ی کتابخانه‌ی مرعشی، کاخ گلستان و پاریس، یک بیت بعد از بیت پنجم قصیده، اضافه دارد. آن یک بیت به این صورت ثبت شده است: «همچو لشکرگاه افریدون شده باغ و درو/ هر درختی چون درفش کاویان آراسته» (رک. نسخه‌ی شماره‌ی ۱۴۳۵۵ کتابخانه مرعشی: ۲۶). پیش از بیت چهارم از انتهای همین قصیده، یک بیت دیگر نیز در نسخه‌ی پاریس به شکل زیر آمده که در تصحیح طاهری‌شهاب نیست، ولی در چاپ هادی‌حسن دیده می‌شود:

تا بود جرم سپهر از ماه و مهر افروخته از عنانت ملک و از دست عنان آراسته

(نسخه‌ی شماره‌ی ۶۵۶/۴- ف، دانشگاه تهران: ۲۴۷)

- در نسخه‌ی مرعشی، پاریس و کاخ گلستان یک غزل سه‌بیتی آمده که در تصحیح طاهری‌شهاب وجود ندارد. این غزل به صورت زیر در همه‌ی نسخه‌ها به جز مجلس آمده است:

آرزومند روی جانانم	برود ز آرزوی او جانم
همه چیزی همی توانم کرد	صبرکردن به هجر نتوانم
دل خطا شد مرا بدان مه روی	دل بدادم کنون پشیمانم

(نسخه‌ی شماره‌ی ۱۴۳۵۵ کتابخانه‌ی مرعشی: ۴۳)

- در نسخه‌ی مرعشی، پاریس و کاخ گلستان یک غزل شش‌بیتی به صورت زیر آمده که در تصحیح طاهری شهاب نیامده است. این غزل در همه‌ی نسخه‌ها به جز نسخه‌ی مجلس دیده می‌شود:

تاعزم سفر کرد نگارم ز بر من	برداشت جدایش ره خواب و خور من
رفت از برم آن شوخ ندانم که دلش هست	آگاه ز درد دل و سوز جگر من
گویی که نشد دور ز نزدیک من آن ماه	یادم کند و نامه نویسد به بر من
جان از تن من برپرد از شادی آن روز	کان ماه دلفروز درآید ز در من
ترسم که اگر دیرتر آید برم آن ماه	چونان شده باشم که نبیند اثر من
الحق که به کم مدتم از پای درآرد	رنجی که کنون هجر وی آرد به سر من

(همان: ۴۳)

- در قصیده‌ای با مطلع «ای پسر خوش تو بدین دلبری / حور بهشتی ملکی یا پری» (فلکی، ۱۳۴۵: ۷۷)، نسخه‌ی کاخ گلستان یک بیت، بعد از بیت پنجم قصیده، اضافه دارد که به صورت زیر ثبت شده است: «زلف مکرر تو کند دل را جان جدا/ همچو مکررا تو جان را کند از دلبری» (نسخه‌ی شماره‌ی ۲۸۱ کاخ گلستان: ۱۲). البته این بیت از حیث مفهوم، ابهاماتی دارد و از نظر وزن، به هم ریخته است و با دیگر ابیات قصیده ناهماهنگ و ناسازگار است.

- در نسخه‌ی کاخ گلستان دو بیت به شکل زیر آمده که در تصحیح طاهری شهاب نیست:

منم آن نیازمندی که به تو نیاز دارم	غم چون تو نازنینی به هزار ناز دارم
غم دل از آن بگویم که تو را ملال خیزد	کنم این حدیث کوتاه که غم دراز دارم

(همان: ۸۰)

گفتنی است که در مصراع اول بیت دوم، واژه‌ی «بگویم» درست به نظر نمی‌رسد؛ زیرا نحو بیت و قراین دستوری و معنایی بیت، مؤید آن نیست و وجه منفی فعل (نگویم) با معنی و مفهوم کلام سازگارتر است.

به غیر از ابیات فراوانی که نسخ خطی نویافته افزون بر صورت چاپی آن دارد و پیش‌تر درباره‌اش بحث شد، جستجو در جنگ‌ها و مجموعه‌های شعری، ما را به اشعار دیگری

از فلکی‌شروانی خواهد رساند که بسیار مغتنم است. برای مثال، در کتاب *نزهة المجالس* که مجموعه‌ای از چهارهزار رباعی از حدود سیصد شاعر ایرانی سده‌های پنجم تا هفتم هجری است و در میانه‌ی قرن هفتم گردآوری شده و نزدیک‌ترین مجموعه‌ی شعر به زمان زندگی فلکی‌شروانی است، چهار رباعی زیر در موضوعات گوناگون به نام فلکی‌شروانی ثبت شده که در هیچ‌یک از نسخه‌ها و دیوان‌های تصحیح‌شده‌ی او نیامده است:

خوبی به جمال ای بت سیمین‌بر / چون دیده بدید، از تو به دل داد خبر
خون گشت دل و چاره ندانست دگر / آمد به نظاره‌ی تو از دیده به در

(شروانی، ۱۳۶۶: ۲۱۹)

ای رشک پری، لعل تو کانی ارزد / باور بادت ملک جهانی ارزد
نی نی، ز لب ت کز در دندان من است / یک بوسه مع‌الگرامه جانی ارزد
(همان: ۳۵۱)

من می‌رفتم خمار در سر ز شراب / او می‌آمد به روی بر بسته نقاب
گفتم چاره؟ گفت نمی‌دانم کرد / گفتم آخر؟ گفت همین است جواب
(همان: ۳۷۹)

گر نزد تو ای نگار مقبول نیّم / جز در غم تو به هیچ مشغول نیّم
گر تولیت وصال تو نیست مرا / باری ز غم فراق معزول نیّم
(همان: ۵۵۵)

وجود یک دوبیتی و دو غزل سه‌بیتی و شش‌بیتی در نسخه‌های خطی *دیوان* فلکی که توضیح آن‌ها در معرفی نسخه‌ها گذشت، نیز می‌تواند از این دست نمونه‌ها باشد که در تصحیح طاهری شهاب نیامده است. علاوه بر این، بازبینی و بررسی دیوان‌های شاعران معاصر فلکی، برای یافتن نمونه‌های اختلاط و سهوهای احتمالی در ضبط اشعار و یافتن اشعار پراکنده از فلکی‌شروانی نیز می‌تواند ما را در تصحیح بهتر این دیوان یاری کند.

۴.۵. غلط‌های چاپی و اشتباه‌های نگارشی

غلط‌های چاپی و نگارشی از نمونه‌هایی است که در تصحیح طاهری شهاب راه یافته و موجب بدخوانی شعر فلکی گردیده است؛ اینک به ابیاتی از آن می‌پردازیم:

- واژه‌ی «هصن» به جای «حصن» در بیت زیر:

بر سر بام هصن تو شمل هلال هر شبی چوبکِ پاسبان شود هندوی گوتوال را

(فلکی، ۱۳۴۵: ۱۸)

در این بیت، واژه‌ی «هصن» در نسخه‌ها به صورت «حصن» آمده و شکل درست آن هم همین است؛ به معنی دژ و قلعه و در شعر شاعران دیگر هم به وفور کاربرد دارد:

پس پشتش اندر یکی حصن بود برآورده سر تا به چرخ کبود

(فردوسی، ۱۳۸۹: ۵۲)

- واژه‌ی «فران» به جای «فراق» در بیت زیر:

اکنون که نیست همدم دردم وصال تو جز محنت فران توام هم‌نفس مباد

(فلکی، ۱۳۴۵: ۱۰۳)

«فران» در مصراع اول مبهم و نادرست است و صورت صحیح آن «فراق» است که در نسخه‌های کاخ گلستان، پاریس و کتابخانه‌ی مرعشی نیز به همین صورت ضبط شده است.

- واژه‌ی «محنت‌گاه» به جای «محنت‌کاه» در بیت زیر:

مخالفتان را شادی‌ستان و انده‌بخش موافقان را نزهت‌فزای و محنت‌گاه

(همان: ۵۸)

ضبط «محنت‌گاه» درست نیست و شکل صحیح آن «محنت‌کاه» (کاهنده‌ی محنت)

است و در نسخه‌ها نیز به صورت «محنت‌کاه» آمده است.

- واژه‌ی «فضا» به جای «قضا» در بیت زیر:

فضا بجستن دل‌ها نه روی ببند و نه ره قدر ببردن جان‌ها نه کیف داند و نه کم

(همان: ۴۵)

ضبط واژه‌ی «فضا» نادرست است و به قرینه‌ی «قدر» در مصراع دوم و با توجه به مفهوم بیت، صورت صحیح آن «قضا» است. این واژه در دیگر نسخه‌ها نیز به صورت «قضا» آمده است.

- «روز» به جای «اوز» در بیت زیر:

تا روز حراره بازرسی من خود شده بودم از میانه
(همان: ۱۱۲)

ضبط «روز» در این بیت غلط است و با معنی بیت هم‌خوانی ندارد. با توجه به ابیات پیشین، شکل درست آن «اوز» (اوز) است و در نسخه‌ها نیز چنین ضبط شده است:

زن چون که مرا بدید برجست بستد می و سیخ و شاخشانه
برداشت برابر من از دور بر وزن حراره این ترانه...
تا اوز حراره بازرسی من خود شده بودم از میانه
(همان: ۱۱۳)

- ضبط «میدانی» به جای «میزانی» در بیت زیر:

تو وزن هر سخنی را به لطف میدانی تو قسط هر هنری را به طبع قسطاسی
(همان: ۷۶)

ضبط کلمه‌ی «میدانی» در این بیت درست نیست و به قرینه‌ی رابطه‌ی قسط و قسطاس در مصراع دوم، «میزانی» (میزان هستی) درست است که با «وزن» نیز ارتباط دارد و در نسخه‌ها نیز «میزانی» ضبط شده است.

در برخی از ابیات، علائم سجاوندی و فاصله‌گذاری‌ها به درستی اعمال نشده است. فی‌المثل کاربرد «ویرگول» در نمونه‌های زیر، در جای مناسب به کار نرفته و موجب ابهام و بدفهمی در ابیات شده است:

چون نافه نافه، مشک دو زلفش به رنگ و بو وز توده توده، عنبر تر برده رنگ و آب
(همان: ۲۱)

هر روز حله حله، بیوشد به رغم من تا جامه پاره پاره، کنم خیره چون مصاب...
چشمم چو قطعه قطعه‌ی، ابر است در بهار اشکم چو دانه دانه، در و لولوی مذاب
(همان: ۲۲)

تیغ چو آبت آتشی، در دل بدسگال زد کآتش چرخ چارمین، مانده ازو زگال را
(همان: ۱۸)

ز آن توده، توده، توده‌ی مشک آیدم حقیر ز آن حلقه حلقه، حلقه‌ی تنگ آمدم جهان
(همان: ۱۱۳)

۴.۶. ردپای شعر دیگران در دیوان فلکی

پس از مقابله و بررسی نسخه‌های دیوان فلکی، در نسخه‌ی پاریس یک قصیده‌ی ۳۷ بیتی از مسعود سعد سلمان با مطلع «شخصی به هزار غم گرفتارم/ در هر نفسی به جان رسد کارم» (نسخه‌ی شماره‌ی ۴/۶۵۶- ف، دانشگاه تهران: ۲۴۹)، ثبت شده است و در نسخه‌ی کاخ گلستان نیز در ۳۵ بیت آمده؛ این قصیده در دیوان مسعود سعد ۳۷ بیت دارد. نمونه‌ی دیگر، آخرین شعری که در تصحیح طاهری شهاب آمده، یک قصیده‌ی ناتمام چهاربیتی است که در هیچ‌یک از نسخه‌های خطی دیوان فلکی وجود ندارد و با توجه به پانویس شعر، مصحح آن را از *مونس الاحرار بدرالدین جاجرمی* نقل کرده است:

مشک است توده توده نهاده بر ارغوان زلفین حلقه حلقه آن ماه دلستان
زان توده توده، توده‌ی مشک آیدم حقیر زان حلقه حلقه، حلقه‌ی تنگ آمدم جهان
چون قطره قطره آب لطیفست عارضش وز نور شعله شعله نهاده بر ارغوان
زان قطره قطره، قطره‌ی آبست در بحار زین شعله شعله، شعله‌ی نارست چون دخان
(فلکی، ۱۳۴۵: ۱۱۳)

یلمه‌ها این شعر را از ادیب صابر ترمذی می‌داند و می‌گوید: «اصل این شعر در دوازده بیت در متن دیوان چاپی ادیب صابر ترمذی مضبوط است» (یلمه‌ها، ۱۳۸۹: ۱۰۷). با

توجه به اینکه یلمه‌ها دیوان ادیب صابر را تصحیح کرده و این شعر را در نسخه‌های دیوان او یافته، سخن وی درست‌تر به نظر می‌آید. به علاوه، دهخدا در ضمن اقتراح با عنوان «طرفه‌ی بغداد» (منتشرشده در مجله‌ی مهر، سال اول، شماره ۲، صفحات ۱۳۶-۱۳۸)، ابیاتی از این قصیده را نقل کرده و آن‌ها را از ادیب صابر دانسته است. ادامه‌ی این شعر در دیوان ادیب صابر چنین است:

هر روز دجله دجله بیارم من از دو چشم	کو طرفه طرفه گل شکفاند به بوستان
زان دجله دجله، دجله‌ی بغداد دردمند	زین طرفه طرفه، طرفه‌ی بغداد شد نوان
تا پشته پشته بار فراقش همی کشم	چو ذره ذره کرد مرا در هوا هوان
زان پشته پشته، پشته چو کاه آیدم سبک	زین ذره ذره، ذره چو کوه آیدم گران
هجرائش پاره پاره ز من برد خواب و خور	من خیره خیره داده به دست عنا عنان
زان پاره پاره، پاره شود مرا جگر	زین خیره خیره، خیره شود چشم خونفشان
چون نکته نکته در غزل آرم ز وصف او	بختم ز تحفه تحفه‌ی دولت دهد نشان
زان نکته نکته، نکته‌ی رنج و جراحت است	زین تحفه تحفه، تحفه‌ی قبول خدایگان

(ادیب صابر، ۱۳۸۵: ۴۷۵)

از دلایل اشتباه طاهری شهاب در ثبت این شعر به نام فلکی، قصیده‌ی دیگری است در دیوان او که بسیار به این شعر شباهت دارد و در نسخه‌های خطی دیوان نیز موجود است؛ مطلع این قصیده چنین است: «نار است شعله شعله رخ دلبرم ز تاب / مار است عقده عقده، دو زلفش بر آفتاب» (فلکی، ۱۳۴۵: ۲۱).

با وجود چنین نمونه‌هایی، این احتمال وجود دارد که برخی از اشعار فلکی شروانی به دلایلی همچون شباهت مضمون، گذشت زمان طولانی از فوت فلکی، بی‌دقتی کاتبان و شباهت‌های سبکی اشعار، به دیوان اشعار دیگر شاعران معاصر وی راه یافته باشد که این امر نیز شایسته‌ی پژوهشی دقیق است.

۵. نتیجه‌گیری

با نظر به نمونه‌های ذکرشده و در دسترس بودن نسخه‌های نویافته از دیوان فلکی شروانی که مصححان پیشین از آن‌ها بی‌بهره بوده‌اند و همچنین با توجه به کاستی‌ها و نواقصی که در متن چاپی در مقایسه با نسخه‌های نویافته دیده می‌شود، انجام تصحیح انتقادی منقح از دیوان فلکی ضرورت دارد. همچنین تصحیح دیوان فلکی می‌تواند به رفع ابهام و پیچیدگی از اشعار شاعران هم‌دوره‌ی او نیز یاری دهد؛ زیرا بسیاری از اصطلاحات و ترکیباتی که در دیوان فلکی به‌کاررفته، در شعر معاصران وی به‌ویژه شاعران مکتب آذربایجان نیز کاربرد داشته است و با پیراستن دیوان فلکی از شعر دیگران و یافتن اشعار پراکنده‌ی احتمالی وی در جنگ‌ها و دیوان شاعران دیگر، چه‌بسا بتوان به مصححان و پژوهشگران اشعار آن شاعران نیز یاری رساند.

منابع

- ادیب صابر. (۱۳۸۵). *دیوان*. تصحیح احمدرضا یلمه‌ها، تهران: نیک خرد.
- _____ (۱۳۱۲). «طرفه‌ی بغداد». مهر، سال ۱، شماره‌ی ۲، صص ۱۳۶-۱۳۸.
- جاجرمی، محمدبن بدر. (۱۳۳۷). *مونس‌الاحرار فی دقائق الاشعار*. با مقدمه‌ی محمد قزوینی، به اهتمام میرصالح طیبی، تهران: انجمن آثار ملی.
- خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل‌بن علی. (۱۳۸۲). *دیوان اشعار*. به کوشش ضیاء‌الدین سجادی، تهران: زوار.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. تهران: دانشگاه تهران.
- سنایی غزنوی، مجدودبن آدم. (۱۳۶۲). *دیوان اشعار*. تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، تهران: سنایی.
- سوزنی سمرقندی، محمدبن علی. (۱۳۳۸). *دیوان*. تصحیح ناصرالدین‌شاه حسینی، تهران: امیرکبیر.
- شروانی، جمال‌خلیل. (۱۳۶۶). *نزهة المجالس*. تصحیح محمدامین ریاحی، تهران: زوار.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۹۱). *سبک‌شناسی شعر*. تهران: میترا.

- صفا، ذبیح الله. (۱۳۷۲). *تاریخ ادبیات در ایران*. تهران: فردوس.
- ظفری، ولی الله. (۱۳۷۵). *حبسیه در ادب فارسی*. تهران: امیرکبیر.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۹). *شاهنامه*. به کوشش سعید حمیدیان، تهران: قطره.
- فروزانفر، بدیع الزمان. (۱۳۵۰). *سخن و سخنوران*. تهران: خوارزمی.
- فلکی شروانی، نجم‌الدین. (۱۰۳۰). *نسخه‌ی خطی دیوان اشعار به شماره‌ی ۱۴۳۵۵*. قم: کتابخانه‌ی مرعشی.
- _____ (۱۳۲۲). *نسخه‌ی خطی دیوان اشعار به شماره‌ی ۲۸۱*. تهران: کتابخانه‌ی سلطنتی کاخ گلستان.
- _____ (قرن چهارده). *نسخه‌ی خطی دیوان اشعار به شماره‌ی ۱۰۶۳/۱*. تهران: کتابخانه‌ی مجلس.
- _____ (بی تا). *نسخه‌ی خطی دیوان اشعار به شماره‌ی ۶۵۶/۴-ف*. تهران: کتابخانه‌ی دانشگاه تهران (نسخه‌ی پاریس).
- _____ (۱۹۲۹ م). *دیوان اشعار*. تصحیح محمد هادی حسن، چاپ سنگی، لندن: انجمن سلطنتی آسیایی لندن.
- _____ (۱۳۴۵). *دیوان اشعار*. تصحیح محمد طاهری شهاب، تهران: کتابخانه‌ی ابن سینا.
- محبوب، محمدجعفر. (۱۳۴۵). *سبک خراسانی در شعر فارسی*. تهران: انتشارات فردوس.
- مسعودسعد سلمان. (۱۳۶۴). *دیوان مسعودسعد*. تصحیح مهدی نوریان. اصفهان: کمال.
- نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف. (۱۳۸۷). *خسرو و شیرین*. تصحیح وحید دستگردی، تهران: علمی.
- هدایت، رضاقلی خان. (۱۳۳۹). *مجمع الفصحاح*. به کوشش مظاهر مصفا، تهران: امیرکبیر.
- یلمه‌ها، احمدرضا. (۱۳۸۹). «نقد و تحلیل تحریفات دیوان فلکی شروانی براساس نسخه‌های تازه‌یافته». *مجله‌ی فنون ادبی دانشگاه اصفهان*، سال ۲، شماره‌ی ۲، ص ۹۷-۱۰۸.